

عنوان مقاله:

بازشناسی مفهوم خودسازی در اساطیر هندی، اسطوره ی آفرینش و مهابهارات

محل انتشار:

دوفصلنامه ادبیات پهلوانی، دوره 3، شماره 5 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسنده:

اردشیر منظمی

خلاصه مقاله:

این مقاله بر آن است نشان دهد که در اسطوره و بویژه اساطیر هندی (آفرینش و مهابهارات) حماسه را دو رویه است. یکی حماسه به معنای شناخته شده آن که داستان دلاوری و تکاوری پهلوان یا مردانی بزرگ در نبرد با هر آن کس است که حرمت حریم سرزمین یا مردمان یا هستی کسی یا چیزی ارزشمند را درهم شکسته باشد؛ که در این رویه، حماسه بسامدی از رخ نمودن آداب جنگاوری و بی باکی است. دیگری آنکه حماسه چندان اوج و عمق می گیرد که از رویه ظاهر جنگی خویش می گذرد و به ژرفای جوانمردی دست می یابد. در این حالت دیگر حماسه یک داستان رزم نیست؛ بلکه برنامه ای هدفمند و الگویی توانمند برای بازسازی درونی کسانی است که در خود، تعلقی به پرورش اخلاق انسانی در چهارچوب حماسه می بینند. در این معنا تلاش قهرمان حماسه تنها جهاد اصغر نیست؛ که جنگ در بیرون است. بلکه پهلوان داستان می کوشد تا به پیروی از الگوهای دینی که نمایه های جاویدان هستی هستند، به جهاد اکبر که جنگ در درون است، دست یازد؛ که کوششی است برای دگرگون کردن ((نبرد تن با تن)) به ((نبرد تن با من)). می توان روزی را به دیده آورد که دست کم در هنگامه ای کوتاه، نبرد تن با تن رخ ندهد؛ اما نمی توان هیچگاه تصور کرد که نبرد تن با من روی ندهد. اساطیر هندی مورد بررسی داستان همین نبرد است. رزمی که انسان برای همیشه هستی گیتیانه خویش با آن درگیر است. این از بزرگ ترین دلایل ماندگاری اسطوره های دینی است.

کلمات کلیدی:

myth, epic, Hindu, purification of the carnal soul, Mahabharata, اسطوره، حماسه، هندوان، خودسازی، مهابهارات

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1144678>

